



## برگی از خاطرات روز جانسوز رحلت امام خمینی(ره)

# روز یتیمی

#### گروه گزارش

صدای شیون مرد و زن از هر کوی و برزن می آمد؛ «ایران» بی پدر شده بود، دردی جانکاه و دلنتگی یار، آرام و قرار را از صاحبان عزا گرفته بود. هنگام اعلام رحلت امام خمینی(ره)، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران از شبکه اول سیما، همه در ماتم فرو رفتند، به سر و صورت خود زدند و برای دلداری دادن و عزاداری به کوچه ها و خیابان ها آمدند تا با یکدیگر همدردی کنند.

همه جا غم بود و اشک و صحبت از پیوستن روح خدا به خدا و خداحافظی با پیر جماران بود که جمعیت میلیونی را به پایتخت کشاند تا در مراسم تشییع و خاک سپاری پیکر با شرکت کنند.

صاحب عزا، تمام ایران بود؛ کشوری که در انقلاب ۵۷ با رهنمودها و مجاهدت های این بزرگ مرد به پیروزی رسید و بعد از انقلاب، زیر سایه این پدر داورانیش و فرازانه رشد کرد و امروز بالندگی اش را مدیون سنگ بنایی است که او گذاشته و تحت رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت ... العظمی خامنه ای، در اوج افتخار و بالندگی قرار دارد.

حالا ما مانده ایم با خاطره آن روزی که اگرچه تلخ و غمبار بود اما روزی تاریخی و اوج عظمت دلدادگان، شفتگان و رهروان راهش در مراسم تشییع و خاک سپاری امام (ره) در دفتر تاریخ این مرز و بوم ثبت شد. با وجود گذشت بیش از ۲ دهه، خاطره آن روز تلخ و غمبار در ذهن مردان آیین از ۱۹ نفر برتر تقدیر به عمل آمد.

## برترین های جشنواره «حدیث فرزندان» معرفی شد

نخستین جشنواره «حدیث فرزندان» ویژه دانش آموزان زیر ۱۵ سال، برترین های خود را معرفی کرد. سرهنگ «اسماعیل نامنی»، فرمانده تیپ ۱۳۰ شهید دلجویان بجنورد در آیین پایانی این جشنواره که به همت فعالان کانون فرهنگی، هنری «مصباح الهدی» و با محوریت آموزش احادیث برگزار شد، بهترین الگو و سرمشق برای فرزندان را بهره گیری از بیانات نبی مکرم اسلام(ص) و روایات و احادیث اهل بیت(ع) بیان و تصریح کرد: با بهره گیری از احادیث و روایات، آینده خوبی را برای آنان ترسیم خواهیم کرد.حجت الاسلام حسین حیدری، رئیس عقیدتی، سیاسی کار کتان تیپ ۱۳۰ شهید دلجویان بجنورد نیز توسل به قرآن و تمسک به احادیث ائمه اطهار(ع) و عمل به آن ها را راه سعادت انسان ها بیان کرد و افزود: برگزاری جشنواره حدیث، نوجوانان را بیشتر ترغیب به حفظ و نشر احادیث ائمه اطهار(ع) خواهد کرد.طبق اعلام ستاد ارتباطات رسانه ای فهما، ۹۲ تن از کودکان و نوجوانان در این مسابقه شرکت کردند که در این آیین از ۱۹ نفر برتر تقدیر به عمل آمد.

## هیأت مدیره شرکت تعاونی فراگیر مهر پویان قورخود مانه و سملقان

۶/۹۹۰۱۲۲۸۶

های شان؛ پرچم های سیاه که با ورزش نسیم گرم خرداد حرکت می کرد، خبر ناگوار را دوباره برایت مرور می کرد. او برای تحولی عظیم در سرزمینی که در دست رژیم ستمگر طاغوت بود، آمد و حالا با سفر خود به دنیای ابدی، یک دنیا غصه را برای دلدادگان خود باقی گذاشت؛ به خصوص آن هایی که در روستاها و شهرستان های دور از تهران بودند این دوری را تاب نمی آوردند و هر طوری بود دوست داشتند خودشان را برای وداع با رهبر فقیدشان برسانند.

عشق به امام خمینی(ره) بود که بسیاری از شهروندان بجنوردی را در دل شب به آن جا رساند و انتظار چقدر طولانی بود برای آخرین دیدار.

#### بی بی پناهی

«ایزانلو» شهروندی که در زمان رحلت امام در روستای شان مشغول زراعت بود، با شنیدن این خبر، سراسیمه خود را به شهر می رساند و شهر در حال تدارک برای عزاداری بود. پرده ها و پرچم های سیاه در همه جا دیده می شد. او طاقت نمی آورد در شهر بماند و به عزاداری در این جا بسنده کند و با پیغام ، خانواده اش را در جریان سفرش به تهران می گذارد.

او دوباره این سفر خاطره انگیزش می گوید: خوب شد رفتم، اگر نمی رفتم از رویش به دلم می ماند، همان طور که از روی شهادت در دلم ماند.

او که ۲ نفر از دوستان همزمش را در جبهه از دست داده است، می افزاید: ما جوانان انقلابی که در پیش از انقلاب و بعد از آن، رهنمودهای امام

خمینی(ره) را آویزه گوش مان کرده بودیم وقتی خبر رحلت ایشان را شنیدیم گویا یتیم شدیم. حس و حالم را در آن لحظه که این خبر را شنیدم نمی توانم بیان کنم. احساس خال و بی پناهی می کردم و گویا دنیا برایم به پایان رسیده بود.

#### اوج عظمت عزاداری

در عین حال، «غلامرضا نوروزی» یکی دیگر از شهروندان بجنوردی با بیان بخشی از خاطره خود در ۱۴ خرداد ۶۸ می گوید: زمانی که این خبر غم انگیز را شنیدم همراه همسر و مادر همسرم سوار اتوبوس شدیم و خودمان را به مصلای تهران رساندیم اما ازدحام جمعیت آن قدر بالا بود که مراسم به روز بعد موکول شد و ما به همراه بقیه عاشقان امام(ره) در همان جا ماندیم.

او که به دلیل جمعیت زیاد، از دور نظاره گر محفله شیشه ای که پیکر مظهر امام(ره) در آن قرار داده می شد، در ادامه می دهد: در مسیری که

حرکت می کردیم تا خودمان را به محل برگزاری مراسم برسانیم، خیلی از پیرزنان و پیرمردانی می دیدیم که در گوشه ای نشسته بودند و گریه می کردند. بعضی از شرکت کنندگان گل دست شان بود و برخی عکس امام(ره). همه جا حال و هوای عجیبی داشت که وصف ناپذیر است و با زبان نمی توان آن ها را بیان کرد.

او اظهار می کند: حتی آفتاب سوزان و جمعیت خروشان هم نمی توانست جلوی قدم های عزاداران را بگیرد و آن قدر در اوج عظمت عزاداری غرق شده بودیم که اصلا متوجه نشدیم مسیر طولانی را کی و چگونه سپری کرده و به مقصد رسیده ایم.

او که تاکنون در تمام مراسم بزرگداشت سالگرد ارتحال امام(ره) شرکت کرده است، می افزاید: از دور دست هلیکوپتر حامل پیکر امام(ره) را دیدم که آمد اما به دلیل جمعیت زیاد نتوانست بنشیند و دوباره پرواز کرد. عزاداران از خود بیخود شده بودند و طاقت در شدن از امام شان را نداشتند. او که در مراسم تشییع پیکر شهید سپهد «سلمانی» نیز شرکت کرده بود، تصریح می

کند: این ۲ مراسم بزرگ ترین مراسم تشییع در تاریخ انقلاب اسلامی و نشان دهنده ارادت این سرزمین به این ۲ بزرگوار است که اگر چه اکنون در میان ما نیستند اما آثارشان و یادشان همچنان باقی و جاری است.

او با اشاره به این که کسانی که خانه های شان در مسیر عزاداران بود، درهای شان را باز کرده بودند و بین مردم آب پخش می کردند، می

گوید: مردم همه سنگ تمام گذاشتند و در میان آن ها حتی افرادی بودند که اگر چه دل شان با نظام نبود اما از این اتفاق غمگین شده و به خیل عزاداران پیوسته بودند.

#### «حق حق گریه در خانه

«شعبانی» هم که در آن زمان دانش آموز کلاس سوم راهنمایی بود، می گوید: فصل امتحانات بود و سخت در حال درس خواندن و آماده کردن خود برای امتحان ریاضی بودم، دختر همسایه مان که همکلاسی بودیم، صدایم کرد و خبر رحلت امام(ره) را داد. تا این موضوع را به پدر و مادرم گفتم شوکه شدند اما باور نکردند و وقتی تلویزیون را روشن کردند هر ۲ با صدای بلند زیر گریه زدند؛ گریه های بی امان و اشک های بی پایان.

بعد از یک ساعت همراه والدینش به خیابان می روند و کسبه و بسیاری از شهروندان لباس سیاه پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.

پوشیده و در حال سیاه پوش کردن شهر بودند.